درباره کوچه «امام‌خمینی(ره)۷» که از دل باغ‌های بزرگ مشهد متولد شد

کوچه گردی

گذری صدساله با نام‌های بی‌شمار

گروه تاریخ و هویت| سال‌های پایانی دهه اول (۱۳۱۰خورشیدی) تا انتهای دهه دوم (۱۳۲۰خورشیدی) در قرن گذشته، از مهم‌ترین مقاطع گسترش مشهد محسوب می‌شود. حکومت وقت در این دوران تلاش کرد با ایجاد خیابان‌ها و مسیرهای جدید، ضمن گسترش شهر، مشهد را به شهری با ساختار غربی تغییر دهد. درهمین‌راستا بسیاری از مالکان زمین‌ها در نقاط مختلف شهر، موظف شدند شرایطی را برای تبدیل اراضی بزرگ باغی و کشاورزی خود فراهم کنند تا آن دسته اراضی که در محدوده بافت شهری قرار دارند به مجموعه‌های مسکونی تبدیل شوند؛ ایجاد راه‌های دسترسی متعدد یکی از الزام‌ها برای تغییر این شرایط بود. کوچه امام خمینی(ره) ۷، یا سجادی، حاصل یکی از این همراهی‌ها محسوب می‌شود که در آن، دو مالک بزرگ (یعنی اقبال‌التولیه و حاجی‌سرابی) شرایط را برای ایجاد این کوچه در میان اراضی خود فراهم کردند. سطرهای بعدی گذری است بر تاریخ این کوچه.

نمای ورودی دو خانه قدیمی در ابتدای کوچه سجادی (سمت جنوبی کوچه)

از کوچه «نایب‌التولیه» تا «حسینیه شیخ»

کوچه سجادی عمری تقریبا صدساله دارد و تعداد نام‌هایی که در این دوران گرفته از بسیاری کوچه‌های قاجاری و حتی قدیمی‌تر شهر بیشتر است. اقبال‌التولیه نخستین نامی است که این کوچه با آن شناخته شده است. کوچه شجاع نام رسمی بعدی برای این کوچه است که در اصل شجاع‌الدوله بوده و هنوز هم فرعی دوم این کوچه (از سمت خیابان امام خمینی(ره)) به همین نام شهره است.

کوچه سجادی که در برخی اوقات سجاد و برخی زمان‌های دیگر سجادیه ثبت شده، دیگر نام رسمی و قدیمی این کوچه است که هنوز هم روی تابلو ورودی کوچه (از سمت خیابان امام خمینی(ره)) حک شده است. این عنوان از نام رضاسجادی، شهردار اسبق مشهد و مالک بخشی از زمین‌های جنوبی کوچه، گرفته شده است.

فوزیه جنوبی ۸ دیگر نام رسمی کوچه است که روزگاری بر تابلوی ابتدای کوچه (از سوی خیابان دانشگاه) ثبت شده بود اما اندکی بعد جای خود را به عنوان دانشگاه ۸ داد. در سال‌های اخیر هم باتوجه به تغییرات انجام‌شده در نظام کوچه‌بندی، شماره این خیابان پس از اجرای طرح نوسازی میدان شهدا به عدد ۶ کاهش پیدا کرد. اکنون امام خمینی(ره)۷ (پهلوی ۷) نام رسمی این کوچه است که پس از انقلاب بر تابلوی معرفی کوچه نشسته است.

این کوچه در کنار انبوه نام‌های رسمی، اسامی غیررسمی بسیاری هم دارد که در دوران‌های مختلف مورداستفاده قرار گرفته است. کوچه مطب دکتر معاضد -یا به صورت خلاصه کوچه دکتر معاضد- یکی از قدیمی‌ترین اسامی غیررسمی برای این کوچه است که به دلیل وجود مطب و بیمارستان خصوصی این پزشک در نخستین پلاک شمالی این کوچه، به آن معروف بوده است.

کوچه خان‌منش هم یکی دیگر از نام‌های غیررسمی این کوچه است که از دهه ۵۰ تا ابتدای دهه ۸۰ به‌دلیل فعالیت تاکسی‌تلفنی خان‌منش در این محدوده، به آن معروف شده است.

کوچه دبیرستان فیوضات هم از نام‌های غیررسمی است که هرچند هیچ‌گاه صورت رسمی به خود نگرفت، از دهه ۳۰ تا دهه ۸۰ که این دبیرستان در کوچه مستقر بود، نزد مردم کاربرد داشت.

کوچه کلینیک فرهنگیان و کوچه اتحادیه دانش‌آموزان یا اتحادیه هم از نام‌های مردمی‌ای هستند که پس از پیروزی انقلاب به دلیل استقرار کلینیک پزشکی شماره یک فرهنگیان و اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان در این کوچه، برای معرفی آن استفاده می‌شده است. کوچه تایپ و تکثیری‌ها هم از دیگر اسامی مردمی این کوچه است که به‌دلیل اقبال این صنف از اواسط دهه ۷۰ به تجاری‌های کوچه اضافه شده بود. سرانجام اینکه در سال‌های اخیر با استقرار حسینیه شیخ محمدتقی بجنوردی در سجادی ۴، برخی از اهل روضه این کوچه را به نام کوچه حسینیه شیخ می‌شناسند.

تابلو کوچه سجادی از سمت خیابان دانشگاه

نمای بن بست کوچه سجادی (۲)

نمای یک خانه قدیمی در کوچه سجادی

نمای ورودی قدیمی‌ترین خانه در کوچه سجادی (۳)

موقعیت کوچه سجادی بر روی نقشه سال ۱۳۲۵ خورشیدی

کوچه «سجادی» در دوران پهلوی

دهه‌های نخست سده ۱۴ خورشیدی را باید دوران شکل‌گیری کوچه سجادی دانست. در این دوران اقبال‌التولیه به عنوان مالک بزرگ زمین‌های حدفاصل ایستگاه سراب و میدان شهدا، در راستای اصلاحات موردنظر پهلوی اول، باغ‌های خود را به اراضی مسکونی تبدیل کرد و به این شکل، کوچه سجادی متولد شد.

در نخستین سال‌های ایجاد این مسیر، این گذر، راهی مستقیم بود که باغ عنبر را به محدوده باغات متفرقه جنوب غرب شهر و حاشیه دروازه سراب متصل می‌کرد. این وضعیت چندی بعد با ایجاد خیابان پهلوی وقت تغییر کرد و کوچه اقبال‌التولیه به یکی از فرعی‌های خیابان پهلوی تبدیل شد که به باغات حاشیه دروازه سراب و محدوده کوچه باغ‌سنگی ختم می‌شد.

ایجاد خیابان فوزیه (دانشگاه کنونی) در سال‌های انتهایی دهه ۲۰ تغییر عمده بعدی در راستای بهبود وضعیت کوچه سجادی بود. این مسئله سبب شد کوچه اقبال‌التولیه به مسیر اتصال دو خیابان پهلوی و دانشگاه تبدیل شود و همین موضوع سبب قرارگرفتن آن در منظومه مسیرهای درون‌شهری و سپس تبدیل پلاک‌های بزرگ و خانه‌باغ‌های این کوچه به خانه‌ها و پلاک‌های کوچک‌تر و سپس استقرار فضاهای عمومی و آموزشی در آن شد.

در نقشه سال ۱۳۳۳ خورشیدی که این گذر هنوز به عنوان کوچه اقبال‌التولیه شناخته می‌شود، این حدود دارای سه فرعی شمالی و سه فرعی جنوبی است. فرعی نخست شمالی همان مسیر کهن جداکننده باغ عنبر قدیم و باغات متفرقه دروازه سراب است، اما سایر فرعی‌ها حاصل تقسیم خانه‌باغ‌های بزرگ کوچه به خانه‌ها و پلاک‌های کوچک‌تر است. در این نقشه، محدوده ابتدای کوچه (از خیابان امام خمینی(ره) کنونی تا نخستین فرعی شمالی) به دبیرستان فیوضات اختصاص داشت و پس از آن دو فرعی بود که اولی طولانی و کوچه باغی بود و به خیابان دانشگاه منتهی می‌شد و دومی بن‌بست بود. اولین و آخرین فرعی جنوبی هم در این دوران بن‌بست بودند اما فرعی دوم جنوبی به کوچه شجاع‌التولیه و از طریق آن خیابان امام خمینی(ره) کنونی متصل می‌شد.

چندی بعد دبستان خیام به عنوان دومین فضای آموزشی کوچه احداث شد. در همین دوران، یعنی انتهای دهه ۳۰ نیز پس از فروش بخشی از فضای سبز دبیرستان فیوضات و مطب دکتر معاضد (که در اصل نخستین کلینیک خصوصی مشهد بود) مستقر شد. حدفاصل این مکتب تا دبیرستان فیوضات هم یک دالان کوچک قرار داشت که چندی بعد با اتصال خانه انتهای آن به حاشیه خیابان امام خمینی(ره) تبدیل به یک واحد مسکونی شد.

بدین‌گونه در دوره کوتاهی بخش شمالی کوچه دارای دو فرعی بن‌بست و دو فرعی دارای دسترسی شد و سپس بار دیگر فرعی‌های بن‌بست آن، به یک مسیر واحد تبدیل شدند. سرانجام اینکه در سال‌های انتهایی دهه ۴۰ هم مسجد جوادالائمه(ع) به عنوان نخستین فضای مذهبی کوچه در محدوده تقاطع این مسیر با خیابان دانشگاه احداث شد.

کوچه «سجادی» پس از پیروزی انقلاب

سال‌های دهه ۷۰ به بعد سومین دوران عمر کوچه اقبال‌التولیه بود که در این سال‌ها بیشتر با نام سجادی شناخته می‌شد. در این دوران تعداد فرعی‌های کوچه که در سال‌های پایانی دهه ۵۰ به‌ترتیب شش فرعی جنوبی و سه فرعی شمالی بود، ثابت باقی ماند و تغییری نکرد اما ساختار فیزیکی بسیاری از بناهای دوسوی کوچه با تغییرات عمده‌ای روبه‌رو شد.

این تغییرات در دو دهه اخیر شتاب بیشتری پیدا کرد که بارزترین این تغییرها، حذف خانه و مطب دکتر معاضد بود. تخریب این اثر ثبت‌ملی‌شده به‌مرور سبب شد دیگر ساختمان‌های قدیمی و زیبای این کوچه هم تخریب شوند.

یکی از این بناها، ساختمان نخستین کلینیک شبانه‌روزی مشهد و همچنین نخستین تاکسی‌تلفنی مشهد بود که حالا جز حیاطی که روی آن پوشیده و به فروشگاه سفال تبدیل شده، چیز دیگری از آن باقی نمانده است. همچنین در همین راستا، دبیرستان فیوضات هم تغییر کاربری داد و به بخشی از کلینیک شماره یک پزشکی فرهنگیان شهر تبدیل شد. دبستان خیام نیز سرنوشت مشابهی پیدا کرد و اکنون اداره بازنشستگان آموزش‌وپرورش خراسان‌رضوی در آن مستقر است.

از دیگر تغییرات این کوچه در سال‌های اخیر استقرار شرکت بازآفرینی شهری شهرداری مشهد در فرعی سوم این کوچه است. اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان خراسان هم دیگر مجموعه وابسته به سیستم آموزش‌وپرورش است که از ابتدای دهه ۷۰ خورشیدی در نخستین فرعی شمالی کوچه سجادی مستقر شده است.

سرانجام اینکه کمتر از یک دهه قبل، خاندان شیخ محمدتقی بجنوردی با تخریب حسینیه اجدادی خود در طرح بهسازی و نوسازی اطراف حرم مطهر رضوی ملکی را در دومین فرعی جنوبی کوچه (کوچه شجاع‌التولیه) خریداری و تبدیل به حسینیه کردند و به این ترتیب این کوچه به یکی از پاتوق‌های مهم روضه‌خوانی و عزاداری دهه اول محرم مشهد تبدیل شد.

نامداران کوچه «سجادی»

حاج میرزا ابوتراب اقبال (معروف به اقبال‌التولیه و مقبل‌السلطنه) را باید مهم‌ترین چهره کوچه امام خمینی(ره) ۷ از ابتدای ایجاد آن در حدود یک صد سال گذشته تاکنون دانست. او که پدر خاندان سیاست‌پیشه اقبال و از مالکان بزرگ ابتدای قرن ۱۴ خورشیدی خراسان و نماینده کاشمر در چهارمین مجلس شورای ملی بود با موافقت اختصاص بخشی از باغ خود به کوچه سجادی باعث افزوده شدن این مسیر به شبکه مسیرهای درون‌شهری مشهد شد.

دومین چهره مشهور ساکن این کوچه دکتر حسین معاضد، چشم‌پزشک مشهور نیمه‌اول قرن ۱۴، است. او هم با ایجاد چند تخت شبانه‌روزی در یکی از اتاق‌های خانه‌اش (که نقش مطب را نیز برعهده داشت) اولین کلینیک خصوصی مشهد را برپا کرد. رضا سجادی، شهردار اسبق مشهد و گوینده سال‌های دور رادیو سراسری ایران، نیز یکی دیگر از چهره‌های شناخته‌شده مشهد است که دوره‌ای از زندگی خود را در این کوچه پشت سر گذاشت. خان‌منش، راننده سابق دکتر معاضد و مالک نخستین تاکسی‌تلفنی مشهد، خاندان خرم که مالک خانه نبش سجادی ۲ بودند و خاندان بحرالعلوم طباطبایی که روزگاری در نخستین پلاک‌های کوچه سجادی یک سکونت داشتند هم از دیگر قدیمی‌های این کوچه محسوب می‌شوند. خانواده‌های مقامی، عبداللهیان، فدایی، دادرس و مطلق نیز از دیگر ساکنان سال‌های دور و نزدیک این کوچه هستند. حاج قاسم عطارباشی، حاج محمود طوسی، حاجی سمارچی و حاجی فرهنگی نیز از بزرگان و مسئولان سال‌های گذشته مسجد جوادالائمه(ع) محسوب می‌شوند. سرانجام اینکه باید از شهیدان روشن‌روان (حاج علی‌اصغر، ناصر، سعید و محمد)، حمیدرضا امیرآبادی، محمدرضا ماندگار، سید محمدتقی مجتهدزاده، هادی شعبانی، مجید نعیمی و حاج کاظم تدین به عنوان تعدادی از شهدای مسجد جوادالائمه(ع) کوچه سجادی نام برد.

اخبار قدیمی

۱۲۷ سال پیش اتفاق افتاد

بست بالاخیابان از ازدحام جمعیت خراب شد

گروه تاریخ و هویت| روزنامه توس به مدیرمسئولی میرزاهاشم خان قزوینی و سردبیری شیخ ابوالقاسم نحوی در تاریخ سال ۱۳۲۷ قمری (۱۲۸۷ خورشیدی) در مشهد منتشر شد و انتشار آن تا حدود یک سال بعد ادامه داشت. در این روزنامه که اخبار و رویدادهای بسیاری از مشهد بازتاب پیدا کرده، یک خبر ناگوار چاپ شده که در بست بالاخیابان اتفاق افتاده است. این جریده در ۱۵ محرم ۱۳۲۸ قمری (۱۷ بهمن ۱۲۸۸ خورشیدی) می‌نویسد: «وقایع شهری. روز شنبه ۱۰ محرم، اشعه خورشید با کمال فتور بدن برهنه و فرق خون‌آلود دستجات عزادار را گرم کرده و خود را در سوگواری آنان شریک می‌کرد. خانه‌های شهر خالی و معابر پرجمعیت بود. صحنین، خیابان‌ها و بازارها، غرفه‌های پشت بام‌ها، حتی گلدسته و سردرهای خیلی عالی، یکپارچه جمعیت شده بود. زیادی خلق و درهمی آنان یک جنبش ملایمی برای آن‌ها حاصل می‌کرد. از هر محله و هر طایفه، دسته‌ای مخصوص وارد صحن شده، یک دسته که مخصوص ترک‌های قراباغی و بادکوبه‌ای بود، به هنجار قدیم با یدک و کتل و نعش و ذوالجناح وارد گشته، جمعی کثیر نیز با یک حرارت مفرطی کفن پوشیده، تیغ زده و در پیشاپیش آن‌ها چند نفر قفل و بند بر بدن آویخته، دستجات دیگر هم به همین ترتیب و ترتیب‌ها دگرگون وارد صحن شده و بروز عزاداری داده، مراجعت می‌کردند. در سنوات قبل این دستجات در موقع مصادف شدن با هم در یک تنگنا با یک معبر، با هم برخورد کرده، به‌خصوص هنگام ورود صحن با آن جریده‌های جنگی عرصه سکونت تنگ شده، مشکل درمی‌افتاد. والی امسال مراقبت کرده، یک نظم و ترتیب امنیت اثری را در صحن مقدس و داخله بست به وجود آورند اما این بار دیگر واقعه ناگواری رخ داد؛ قبل از ظهر همین روز یک قطعه از طارمی داخل بست بالاخیابان که حامل چهل پنجاه زن و بچه تماشاچی بود، به‌علت سنگینی افراد، کمر خم کرده، خراب و محمولات خود را با یک صدای مهیب به زیر انداخت، بیش از یک‌دو زن صدمه موت را نچشیده و بیش از ده‌دوازده تن زحمت جرح را درنیافتند. بر اداره بلدی است که وضع طارمی‌های پوسیده را اصلاح کند.»

تاریخ نگار

گسستم رشته الفت ز خلق و با تو پیوستم

گروه تاریخ و هویت| استاد محمود فرشچیان نیازی به معرفی ندارد. عمری است او را با رنگ و نقش و جادوی هنرش روی کاغذها و بوم‌ها می‌شناسیم و حالا دو روز است که رخ در نقاب خاک کشیده است. توی این دو روز هم در فضای مجازی و حقیقی هرکسی به‌نوعی با انتشار عکسی، تصویر نقشی یا روایت خاطره‌ای یاد او را با دیگران به اشتراک می‌گذارد. مرکز اسناد آستان قدس رضوی هم شعری از استاد محمود فرشچیان (با تخلص نقاش) منتشر کرده که گویا ۶ تیرماه ۱۳۲۸ خورشیدی در روزنامه اصفهان چاپ و منتشر شده است:

مرا تا از نیستان وصال خود جدا کردی
ز هجرت، بندبندم را چو نی، پر از نوا کردی
تمنا داشتم یک بوسه از لعل شکرخندت
عجب از خون دل خوردن، مرا حاجت‌روا کردی
مگر بوی سر زلف تو آرد، تا سحر هر شب
مرا چشم انتظار مقدم باد صبا کردی
خمار ای سنگدل دیدی، چو ما را از می عشقت
شکستی شیشه دل را و خون در جام ما کردی
گسستم رشته الفت ز خلق و با تو پیوستم
مرا بیگانه از خویشان و دور از اقربا کردی
کجا کردی ترحم بر من آزرده دل، ای مه
به‌غیر از جور، کی آخر به من مهر و وفا کردی
زر رخسار و سیم اشک دارم بهر سودایت
مرا هر چند ای شه، در ره عشقت گدا کردی
طبیبش مرگ و خون دل دوا، غم شد پرستارش
به درد عشق خود، نقاش را تا مبتلا کردی

تقویم تاریخ

تصرف قلعه «چَهریق» و فرار «اسماعیل‌آقا سمیتقو» به ترکیه

۱۱ آگوست ۱۹۲۲ میلادی (۲۰ مرداد ۱۳۰۱ خورشیدی) تیپ آذربایجان به فرماندهی سرتیپ امان‌ا... میرزا جهانبانی قلعه چَهریق در شهرستان سَلماس آذربایجان غربی را تصرف و اسماعیل‌آقا سمیتقو را با وارد آوردن تلفات سنگین به ترکیه فراری داد و اسلحه و مهمات موجود در قلعه را به‌دست آورد. قلعه چَهریق قرارگاه افراد مسلح اسماعیل سمیتقو بود. به این مناسبت در تهران و چندشهر دیگر جشن گرفته شد و به سرتیپ امان‌ا... میرزا مدال «ذوالفقار» داده شد و احمدشاه قاجار که در پاریس بود، این پیروزی را تلگرافا به سردارِ سپه (رضاخان پهلوی) تبریک گفت. اسماعیل سمیتقو (سیمیتقو) که در دیاربکر (منطقه کُردنشین ترکیه در عثمانی آن زمان) به دنیا آمده بود، در پی انقلاب بلشویکی روسیه و خروج نیروهای روسی از شمال غربی ایران بر مقداری از سلاح‌های سبک و سنگین آن‌ها دست یافت و دست به سرکشی و شورش زد. او قبلا درگیری‌هایی هم با آسوریان منطقه داشت. سمیتقو در پی شکست از تیپ آذربایجان در مرداد ۱۳۰۱ و رفتن به مناطق کُردنشین ترکیه خود را سلطان کردستان خواند و عملیات نظامی را از سرگرفت و هشت سال ادامه داد تا اینکه در ۵۴ سالگی (تیرماه ۱۳۰۹) در نبرد اشنویه به دست لشکر آذربایجان کشته شد.